

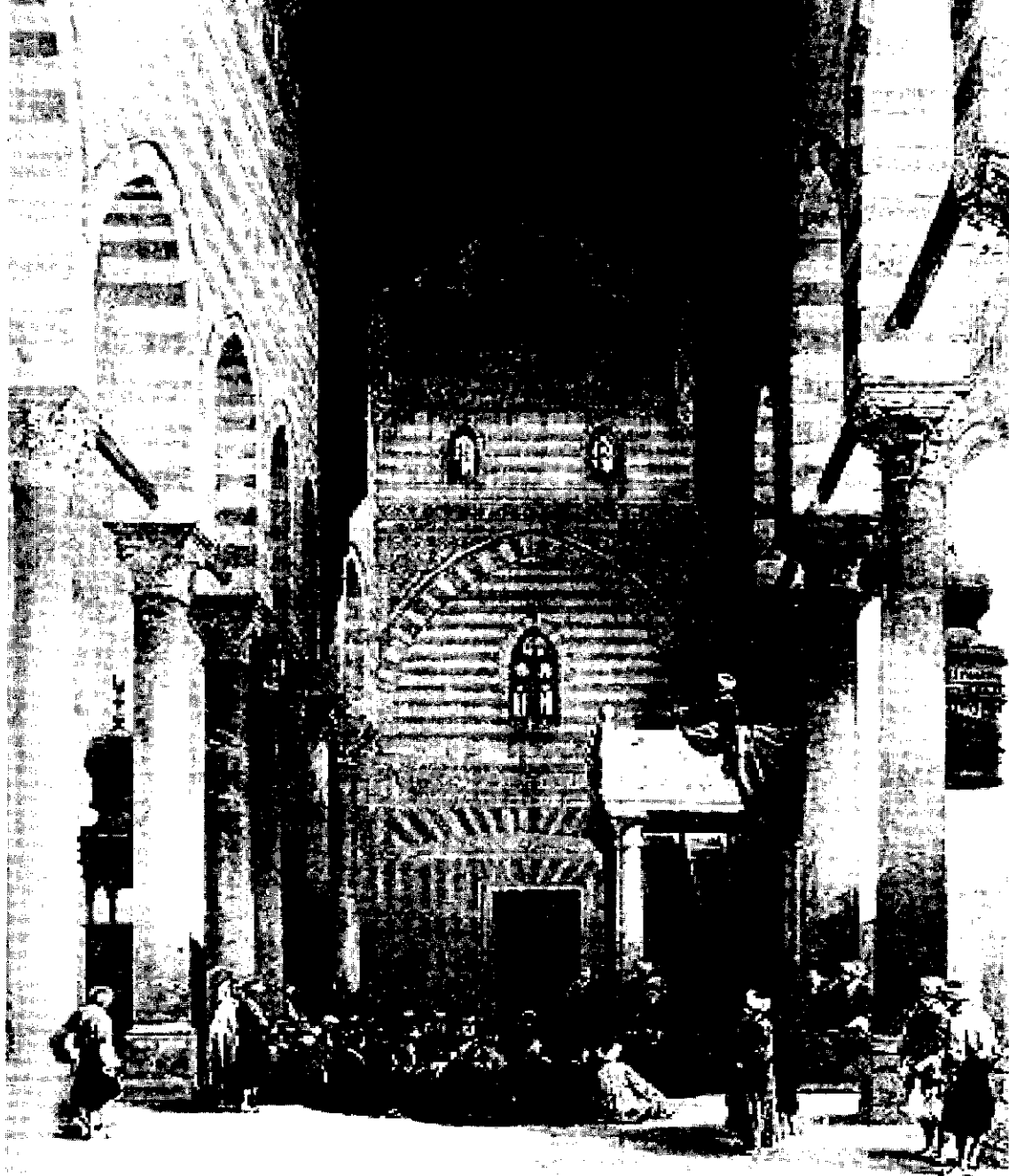
بازسازی و احیای چهار منبع کهن در سیره‌نگاری

حسین مرادی نسب

مغازی رسول‌الله (ص) لعروة بن زبیر بروایة ابي الأسود (م).
۹۴ هـ، تحقیق: محمد مصطفی اعظمی؛ مکتبة التریبة لدول
الخلیج، ۱۴۰۱ هـ.

عروة بن زبیر، سر سلسله نسل اول سیره نویسان بود که برای او کتابی درباره مغازی رسول خدا (ص) ذکر کرده‌اند.^۱ او را از فقهای هفت‌گانه مدینه شمرده‌اند. تلمذ وی بیشتر نزد خاله‌اش عایشه بوده، به همین دلیل محدثان او را آگاه‌ترین مردم به حدیث عایشه دانسته‌اند.^۲ از طرفی عایشه با توجه به موقعیت و نفوذی که در جامعه آن روز در مدینه داشت، باید به این روایات او به دیده تردید نگریست، زیرا اخباری که عایشه و عروة نقل کرده‌اند، نمی‌تواند از تحریف در امان مانده باشد.

ذهبی گوید: عبدالرحمن بن نوفل، (أبو الأسود یتیم عروة) از کتاب مغازی عروه در مصر مطلب نقل کرده است.^۳ شاید بتوان گفت که کتاب مدوئی از وی در سیره به دست نیامده است، اما



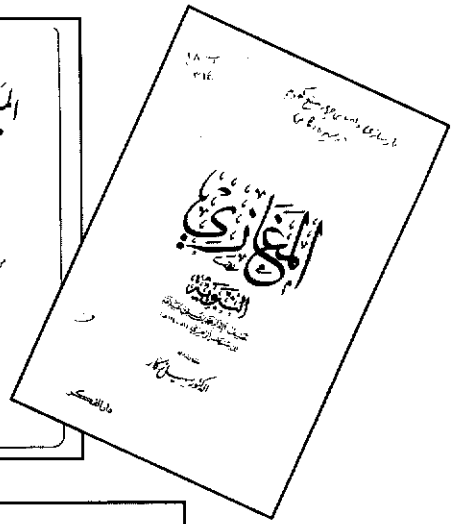
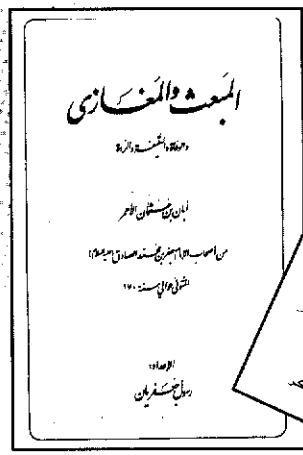
کردند فضایل علی(ع) را از بین ببرند؛ ولی خداوند بر فضیلت او افزود و محبت او را در قلب‌های مؤمنان قرار داد و به آنان سفارش کرد که از حضرت علی(ع) بدگویی نکنند.^۴

پژوهشگر معاصر، محمد مصطفی اعظمی روایات عروه را که از یتیم عروه نقل شده، جمع‌آوری کرده است. وی نام کتاب را مغازی رسول الله لعروة بن زبیر بروایة ابي الاسود نام گذاشت. وی در مقدمه کتاب گوید: این کتاب دارای مقدمه‌ای بر آغاز کتابت سیره رسول خدا (ص)، کتاب المغازی لعروة بن الزبیر بروایة ابي الاسود می‌باشد که از متون کتاب‌های کهن استخراج شده است. هم‌چنین دارای سه پی‌نوشت است که عبارتند از: نوشته‌های عروه به عبدالملک و ولید و دیگران درباره مغازی رسول خدا(ص)؛ اسامی شرکت‌کنندگان در بدر که عروه یا هیثمی (در مجمع الزوائد) نام آنان را در مغازی نیاورده است؛ تصور شرح حال ابوالاسود از کتاب سیر اعلام النبلاء. وی در ادامه گوید که ثمره این کتاب، تصحیح خطاهای تاریخی نزد

نوشته‌های او قدیمی‌ترین اسنادی است که درباره شرح حال رسول خدا (ص) و حوادث دوران آن حضرت نوشته شده است.^۵ از سوی دیگر، فراوانی نقل‌های او در سیره نشان می‌دهد که وی بدون نوشتن نمی‌توانسته این حجم از آگاهی و مطالب سیره را حفظ کند و در اختیار دیگران قرار دهد.

علاقه‌مندی عبدالملک و ولید نسبت به آگاهی از سیره نبوی، سبب شد آن دو از عروه سؤالاتی درباره سیره پیامبر (ص) داشته باشند.^۶ رابطه عروه با امویان موجب شد تا مانند آنان نسبت به اهل بیت کینه داشته باشد، حتی او با زهری در مسجد می‌نشست و از علی(ع) بدگویی می‌کرد. امام سجاد(ع) آنان را توبیخ کرد و گفت: ای عروه! پدرم حکم پدرت را به خدا واگذاشت و خداوند به نفع او، و به ضرر پدرت حکم کرد.^۷ یحیی فرزند عروه گوید: پدرم زمانی که از علی(ع) یاد می‌کرد، دهان به بدگویی از او می‌گشود.^۸ عبدالله فرزند دیگر عروه به فرزندانش سفارش کرد که بنی‌امیه از زمان خلافت معاویه تا امروز تلاش

حضرت علی (ع) اولین کسی بود که احادیث حضرت را جمع آوری کرد.
تکلیف القول بخدا احادیثی را برای امیر
مؤمنین جمع کرد و وی آنها را نوشت
که در صحیفه علی مشهور شد و این
صحیفه نزد امام صادق (ع) نگه داری
می شد



بعدي، مقایسه نصوص مغازی عروه با مغازی موسی بن عقبه، ارزش علمی کتاب مغازی عروه به روایه ابی الاسود، دیدگاه مستشرقین در سیره نبوی و مناقشه در دیدگاه های آنان بر سیره نویسان نخستین.

سپس وی نصوص عروه را از طریق ابوالاسود آورده است که برخی از عناوین آن در کتاب عبارتند از تهیئة النبی(ص) لاستقبال الوحی، ذکر صلاة النبی(ص) فی بدایة بعثته، دعاء الرسول(ص) قومه و غیرهم الی الاسلام...، الهجرة الاولى، الهجرة الثانية الی الحبشه، حدیث نقض الصحیفة، حدیث الاسراء العقیبة الاولى و الثانية، تسمیة من شهد العقیبة هجرة اصحاب النبی، هجرة رسول الله(ص) الی المدینة، غزوة بدر، تسمیة من شهد بدرا...، غزوة احد، غزوة خندق، خیبر، موته، فتح مکه، حنین، طائف، تبوک، حجة الوداع، العهود التي كتبها رسول الله (ص) در پایان پی نوشت ها آمده است. شایان ذکر است که مؤلف تعداد شرکت کنندگان در بدر را ۲۶۱ نفر ذکر کرده است.

المغازی النبویة، محمد بن مسلم بن شهاب الزهری (م. ۱۲۴ هـ)، تحقیق: سهیل زکار، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ.
 زهری در سال ۵۰ هجری در مدینه به دنیا آمد و در همانجا رشد کرد. وی تعدادی از صحابی را درک کرد و از آنان حدیث شنید. ابن شهاب در هر مجلسی حضور می یافت، از مردان و جوانان آن مجلس سؤالاتی می نمود، در اوراق خود ثبت می کرد. وی در درس علما و محدثان حضور می یافت و احادیث نبوی را یادداشت می کرد. درخشش علمی او در جلسات علمی و حدیثی، آوازه شهرتش را بالا برد.
 هشام بن عبد الملک خواست زهری را امتحان کند و از وی خواست تا چیزهایی را برای بعضی از فرزندانش بنویسد. وی کاتبش را خواست چهارصد حدیث را املاء کرد. بعد از مدتی، زهری نزد هشام آمد و میان آن دو سخنانی رد و بدل شد. هشام به او گفت: نوشته هایی را که بر کاتب املاء کرده، گم شده است.

مورخان درباره کتابت سیره نزد مسلمانان است. حتی اعظمی منابع استخراج شده کتاب خود را افزون بر معجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، کتابهای دیگر همچون جوامع السیره ابن حزم، طبقات ابن سعد، عیون الاثر ابن سید الناس، الدرر فی المغازی و السیر ابن عبد البر، سیره ابن هشام، تاریخ طبری، مغازی واقدی، مجمع الزوائد هیثمی، فتح الباری ابن حجر اعلام می کند.

کتاب از فهرست بندی مرتب و منظمی برخوردار است. وی در صفحات آغازین تا میانی کتاب به این مطالب اشاره کرده است: تاریخ از نظر قرآن، انگیزه های مسلمانان به تاریخ، نقش صحابه در نگارش وقایع، شرح مفصلی درباره شخصیت عروه از همه جهات (ولادت، مسافرتها، همسران، فرزندان، اخلاق، دانش، استادان، شاگردان، کتاب مغازی، روش عروه و ...) بررسی دیدگاه دوری و مغازی عروه، تاثیر گذاری او بر مغازی نویسان

«ابن عقبه» را می‌توان سرسلسله نسل سوم دانست. وی از موالی آل زبیر، شاگرد عروة و زهری، فقه و حدیث مشهور مدینه بود. «موسی بن عقبه» بعضی از صحابی و تابعین است. مانند «جابر بن عبدالله» و «سعد» و «عبدالرحمن بن عمر» از مرتب کرده؛ به همین دلیل، او را در شمار صغار تابعین ذکر کرده‌اند.

زهری به او گفت اشکالی ندارد کتاب را فراخواند و احادیث را دوباره بر او املاء کرد. هشام نوشته‌های اول را با نوشته‌های دوم مقابله کرد و آن را بدون این که یک حرف کم و زیاد شود، مانند نوشته‌های اول دید.^{۱۱}

او با همه مراتب علمی‌اش مجذوب مقام معنوی امام سجاد(ع) بود و می‌گفت: هیچ قریشی را پرهیزگارتر و برتر و هیچ هاشمی را برتر و آگاه‌تر به فقه مانند زین‌العابدین(ع) ندیدم.^{۱۲} وی وقتی از راهنمایی امام(ع) بهره برد و از گرفتاری‌های یافت. خطاب به امام گفت: «الله أعلم حيث يجعل رسالته».^{۱۳}

تقرب وی به حکومت بنی‌امیه، موجب شد که در جعل احادیث و فضایل برای بنی‌امیه بکوشد. از این رو میانه خوبی با اهل بیت نداشت. به طور مثال، خالد بن عبدالله قسری حاکم منصوب از طرف بنی‌امیه در عراق از زهری خواست که سیره پیامبر را برایش بنویسد. ابن شهاب زهری به او گفت: در سیره گاهی نام علی بن ابی طالب می‌آید، آیا آن را بنویسیم؟ خالد گفت: نه، مگر این که از او به بدی یاد کنی.^{۱۴}

ابن ابی‌الحدید، زهری را از مخالفان حضرت علی(ع) یاد می‌کند.^{۱۵} وقتی امام سجاد(ع) از بدگویی زهری به حضرت علی(ع) آگاه شد، او را توبیخ کرد و فرمود: اگر در مکه بودی، منزلت پدرت را که در محله‌ای قرار داشت نشانت می‌دادم.^{۱۶}

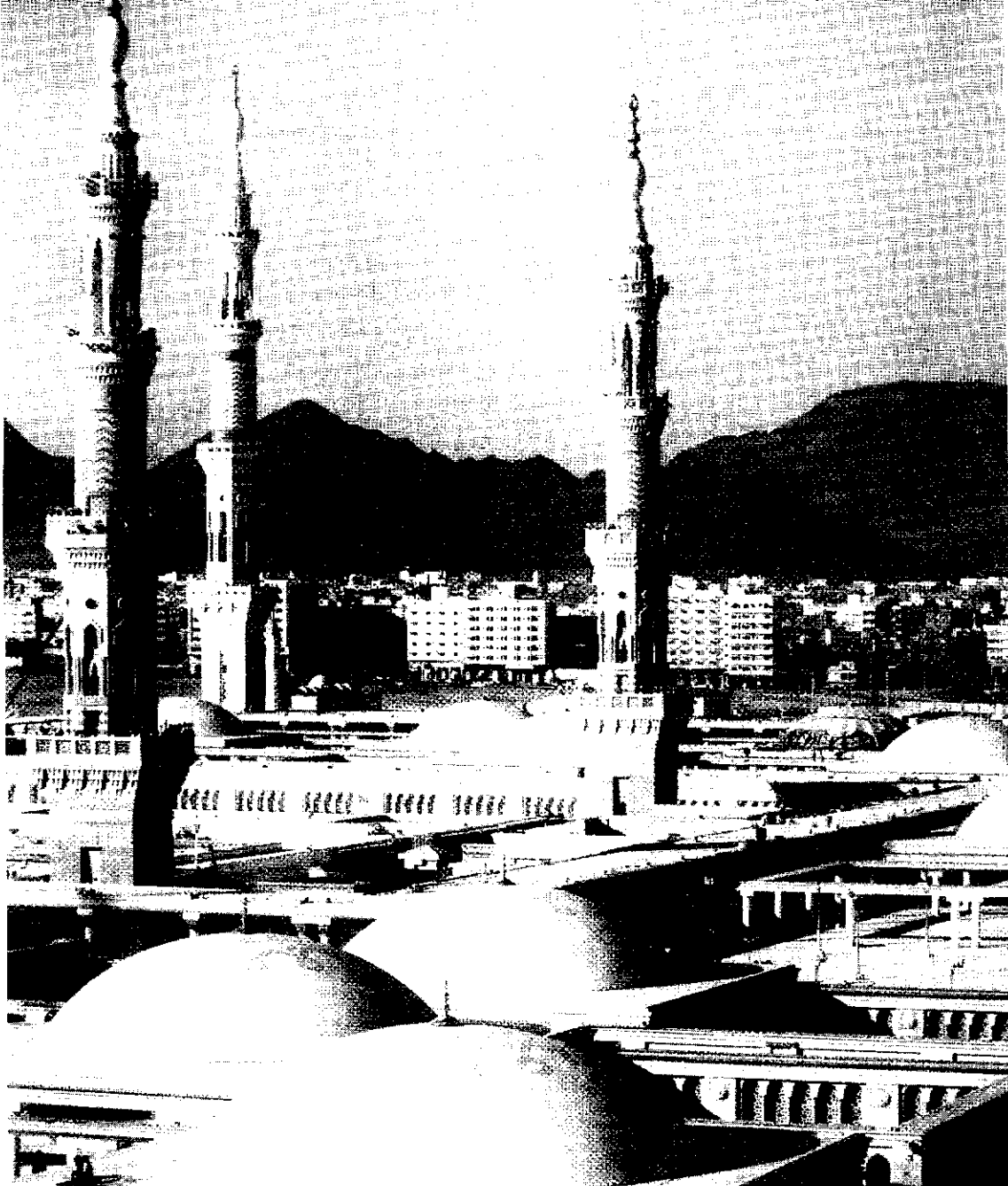
دکتر سهیل زکار، روایات زهری را از معمر بن راشد جمع‌آوری کرده و کتاب مغازی ابن شهاب زهری را بازسازی کرده است و نام آن را المغازی النبویة نهاده است. این کتاب به همراه فهرس کلی مانند آیات قرآنی، اشعار، اعلام، محتوی مطالب و مصادر تحقیق به چاپ رسیده است.

سهیل زکار در مقدمه به کتابت تاریخ و وضعیت شبه جزیره و نقش تاریخی رسول خدا(ص) اشاره کرده و در ادامه به شرح حال زهری پرداخته است. سپس در ادامه می‌گوید این کتاب از مجموع فتاوی تاریخی است که زهری نقل کرده، و معمر بن راشد آنها را به نحو ایجاز آورده است.



اعظمی بیشتر روایات را از طریق عبدالرزاق که او از طریق معمر و او نیز از زهری نقل کرده، آورده است؛ لکن در تکمیل مباحث خود روایاتی را که سند آن به زهری نمی‌رسد یاد کرده است. (رجوع کنید به صفحات ۶۵، ۷۹، ۸۷، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۶۱، ۱۷۷).

وی بعد از آن به نصوص کتاب مغازی زهری پرداخته است. محتوای کتاب افزون بر مقدمه، شامل این عناوین است: ما جاء فی حفر زمزم؛ ذکر من عبدالمطلب؛ کاهن یکشف امر النبی و هو غلام؛ حادثة شق القمر؛ حیر من یهود تمیم یکشف امر النبی؛ اعادة بناء الكعبة؛ زواج النبی من خدیجة؛ اولاد النبی من خدیجة؛ بداية الوحی؛ نزول الوحی؛ النبی و ورقة بن نوفل؛ بییت خدیجة فی الجنة؛ رؤیة النبی لورقة بن نوفل بالمنام؛ اول من آمن بالنبی؛ اسلام عمر بن الخطاب؛ اشتها عمر لاسلامه؛ الاسراء؛ فرض الصلوات؛ وصف النبی للانبیاء الذین شاهدہم فی الاسراء؛



الشام، بعث خالد بن ولید الى العراق، تحويل خالد بن الوليد الى الشام، عزل عمر لخالد بن الوليد، قدوم عمر بن الخطاب الجابية وعزله شرحبيل، الفتنة الكبرى و مقتل عثمان، معركة الجمل، أحوال علی بعد صفین، خلافة الحسن بن علی، ذووا رأی العرب، التحکیم)، حدیث الحجاج بن علاطا؛ خصومة علی و العباس؛ بیعة علی لابی بکر؛ حدیث ابی لؤلؤة، بعین عمر لرجال الشوری؛ خلافة عثمان؛ حدیث الشوری؛ غزوة القادسية و غيرها؛ عزل خالد من قبل عمر؛ معركة القادسية؛ تزویج فاطمة، من اخبار عبدالله بن ابی.

نواقص و کاستی های کتاب:

محقق کتاب در مرتب کردن عناوین دقت کافی به خرج نداده و بدون در نظر گرفتن وقایع در زمان خود، آنان را آورده است. مثلا بعد از واقعه حنین به خبر بئر معونه، یا هجرت کنندگان به حبشه، یا بعد از این که بعضی از جنگها را ذکر کرده به تاسیس مسجد النبی پرداخته است.

خبر الحديبية؛ خبر ابی بصیر عتبة بن أسيد؛ خبر هرقل عظیم الروم؛ أبو سفیان و هرقل؛ کتاب النبی الى هرقل؛ وقعة بدر؛ المطعمون من قريش فی بدر؛ من أسر النبی من أهل بدر؛ وقعة هذيل بالرجيع؛ مقتل ابی بن خلف؛ وقعة بنی النضير؛ أهم وقائع السيرة النبوية باختصار؛ وقعة احد؛ وقعة الاحزاب و بنی قريظة؛ وقعة خيبر؛ عمرة القضاء؛ فتح مكة؛ غزوة النبی هوازن؛ وقعة حنين؛ خبر بئر معونة، من هاجر الى الحبشة؛ ما لقيه ابوبکر فی مكة؛ الهجرة الى المدينة؛ خبر سراقبة بن جعشم؛ تأسيس مسجد المدينة؛ الاذن بالقتال؛ حدیث الثلاثة الذين خلفوا؛ من تخلف عن النبی فی غزوة تبوك؛ مقتل سلام بن ابی الحقيق؛ حدیث الاوس و الخزرج؛ حدیث الافك؛ حدیث أصحاب الاخدود؛ حدیث أصحاب الكهف؛ بنیان بیت المقدس؛ بدء مرض رسول؛ بیعة ابی بکر فی سقيفة بنی ساعدة؛ قول عمر فی أهل الشوری؛ استخلاف ابی بکر عمر؛ بیعة علی لابی بکر؛ غزوة ذات السلاسل و... خبر علی و معاوية (بعث اسامة بن زيد، فتوح

سهیل زکار در عنوان غزوة ذات السلاسل و خبر علی و معاویه، یک روایت طولانی را نقل کرده است و در فهرست برای این روایت عناوین مختلف ذکر شده است - که ما در داخل پرانتز این عناوین را مشخص شده‌اند - لکن روایت، ترتیب منطقی را ندارد. احتمالاً روایت تقطیع شده است که ایشان به طور متصل و بدون ذکر سند آورده است.

المغازی لموسی بن عقبه (م. ۱۴۱ هـ)، تحقیق: محمد باقشیش؛ مغرب جامعه ابن زهر، ۱۹۹۶ م.
المغازی النبویه لأبی محمد موسی بن عقبه (م. ۱۴۱ هـ)، تحقیق: حسین مرادی نسب:

ابن عقبه را می‌توان سر سلسله نسل سوم دانست. وی از موالی آل زبیر، شاگرد عروة و زهری، فقیه و محدث مشهور مدینه بود. موسی بن عقبه، بعضی از صحابی و تابعین در مدینه، مانند جابر بن عبدالله، سهل بن سعد و عبدالرحمن بن عمر را درک کرده؛ به همین دلیل، او را در شمار صغار تابعین ذکر کرده‌اند.^{۱۳}

وی در مغازی و سیره رسول خدا (ص) تبحر داشت و در این باره کتابی تألیف کرد. کتاب وی حاوی اطلاعاتی دربارهٔ حوادث مهم دوران پیامبر (ص) است. در این کتاب اسامی افرادی که در هجرت به حبشه یا مدینه شرکت داشتند، و نیز شرکت‌کنندگان در جنگ بدر و احد آمده است. اگرچه مغازی او نسبت به آثار مولفان بعدی کم حجم بوده، ولی آن را صحیح‌ترین مغازی دانسته‌اند.

وی علت تألیف خود را در باب سیره و مغازی رسول خدا (ص)، اتهامی که به مغازی شُرَحْبِیل زده بودند، بیان کرده است. سفیان بن عیینة گوید: شُرَحْبِیل بن سعد آگاه‌ترین افراد به مغازی و بدریون بود؛ اما به جهت نیاز مالی، حضور پدر کسی را که نزدش می‌آمد و چیزی به او نمی‌داد در بدر انکار می‌کرد.^{۱۴} یا برای کسانی که سابقه‌ای در بدر نداشتند، سابقه درست می‌کرد؛ به همین علت مغازی‌اش از چشم مردم افتاد.^{۱۵}

ابراهیم بن منذر نیز گوید: همین مطلب را برای محمد بن طلحة بن الطویل که کسی آگاه‌تر از او به مغازی نبود، گفتم. او گفت: شرح‌بیل بن سعد، مغازی را می‌دانست؛ ولی او را متهم کردند که نام کسانی را از جمله بدریون ذکر کرده که در بدر حضور نداشته‌اند. یا کسانی را که در جنگ احد کشته نشده و کسانی که در هجرت به حبشه و یامدینه حضور نداشته‌اند، به عنوان شهدا و یا مهاجران ذکر کرده است؛ به این دلیل، مغازی او از چشم مردم افتاد. وقتی موسی بن عقبه وضع را چنین دید؛ با این که سنش زیاد بود، به نوشتن نام حاضران در بدر و احد و مهاجران حبشه و مدینه اقدام کرد و در این باره چیزی نوشت؛^{۱۶} به همین جهت مغازی وی از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار شد و مورد توجه محدثان و سیره‌نویسان بعد از خودش قرار

گرفت. مالک بن انس درباره اهمیت این کتاب گفت: کسی که نامش در کتاب موسی بن عقبه آمده، در بدر حضور داشته و کسی که نامش در کتاب وی نیست، در بدر حضور نداشته است.^{۱۷} محمد باقشیش روایات موسی بن عقبه را جمع‌آوری کرده و کتاب را **المغازی لموسی بن عقبه** نامید. این کتاب در سال ۱۹۹۶ میلادی به چاپ رسیده است. باقشیش در مقدمه به معرفی موسی بن عقبه و چگونگی تحقیق و پژوهش خود پرداخته است. در بخش اول به دو مبحث اشاره کرده که عناوین آن عبارتند از: «اسم و نسب، ولادت او، درک کردن صحابه، طبقه، استادان و شاگردان، تالیفات، توثیق و مدح محدثان درباره مغازی او، رفع شبهه در روایت کردن او از نافع و وفات موسی بن عقبه.» عناوین مبحث دوم عبارتند از: «علت تألیف، مصادر موسی بن عقبه در مغازی و روایان او، روش فرهنگی و شیوه موسی بن عقبه در کتابش، مقارنت مغازی موسی بن عقبه با مغازی عروة بن الزبیر و سیره ابن اسحاق، اعتماد مؤلفان بعدی در کتاب او، اعتماد محدثان بر روایات موسی، مغازی او نزد مستشرقین.»

محقق در بخش دوم، شیوه گردآوری نصوص، تنظیم مطالب و دیگر کارهای پژوهشی خود را توضیح داده است. کتاب مشتمل بر خاتمه‌ای است که به نتیجه‌گیری علمی درباره شیوه مورد استفاده موسی بن عقبه و نقد و بررسی آن پرداخته است. کتاب مذکور محاسن و کاستی‌هایی دارد که به آن اشاره می‌شود.

محاسن کتاب:

شرح الفاظ لغات غریب: استخراج آیات قرآن و احادیث وارده در متن؛ ضبط برخی از اسامی و اعلام؛ شرح بعضی از اماکن و صحابه به حسب ضرورت، بیان شده‌است. از مجموع نصوص، صورت تقریبی از کتاب موسی بن عقبه را ارائه کرده است.

نواقص و کاستی‌های کتاب:

۱. مطالب مندرج تحت عنوان‌های مبحث اول و دوم به اختصار آمده است.
 ۲. در ذیل «مؤلفانه» تنها به ذکر یک کتاب از دو کتاب موسی بن عقبه به نقل از محدثان پرداخته است.
 ۳. وی زیر عنوان «مقارنته مغازی موسی بن عقبه» مباحث را به اجمال برگزار کرده است.
 ۴. برخی از نصوص مغازی موسی بن عقبه از دید باقشیش پنهان مانده و به آن اشاره نکرده است.
 ۵. در بررسی نام افراد، از کسانی نام برده که موسی بن عقبه درباره حضور آنان در برخی از غزوات چیزی بیان نکرده است.
 ۶. کتاب از فهارس فنی و کامل برخوردار نیست.
- همچنین پایان نامه - کارشناسی ارشد - نگارنده مقاله درباره «نقد و بررسی مغازی موسی بن عقبه و متن آن» بود که از طرف

«زهری»، در سال ۵۰ هجری در مدینه به دنیا آمد و در همانجا رشد کرد. وی تعدادی از صحابی را درک کرد و از آنان حدیث شنید. ابن شهاب در هر مجلسی حضور می‌یافت، از مردان و جوانان آن مجلس سؤالاتی می‌نمود و در اوراق خود ثبت می‌کرد. وی در درس علما و محدثان حضور می‌یافت و

وزارت ارشاد به عنوان پژوهش برتر سال ۱۳۸۰
او در جلسات علمی و حدیثی، آوازه شهرتش را بالا برد
 وزارت ارشاد به عنوان پژوهش برتر سال ۱۳۸۰ در حال آماده سازی نشر با عنوان «کتاب مغازی موسی بن عقبه المسمی با المغازی النبویة لأبی محمد موسی بن عقبه» و مقدمه پایان‌نامه - که به فارسی بوده - با عنوان «موسی بن عقبه پیشگام در سیره نویسی» است. در این دو کتاب اخیر به هدف، پیشینه، ضرورت تحقیق، کتابشناسی و ارزیابی منابع درباره مغازی موسی بن عقبه پرداخته شده است. خانواده موسی بن عقبه، استادان، شاگردان، روش او در سیره، نسخه مغازی و تألیفات او، مقایسه مشابهت و اختلاف نصوص موسی با عروه، ابن اسحاق، منابع مغازی موسی بن عقبه، تأثیرگذاری مغازی او در منابع بعدی او - که در حدود سی کتاب سیره و تاریخی مورد بررسی قرار گرفته - از جمله مطالب دیگر کتاب است. در پایان نتیجه‌گیری از مباحث آمده است. جدول‌هایی نیز برای دسترسی آسان محققان به اسامی هجرت‌کنندگان به حبشه و شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها و موارد دیگر از این دست، جزو ویژگی‌های دیگر کتاب است. همچنین به مغازی در چهار بخش که سه بخش آن درباره سیره نبوی و یک بخش درباره خلفای نخست است بیان شده است. گفتنی است کتاب المغازی النبویة لأبی محمد موسی بن عقبه در دو بخش تدوین شده است در بخش اول که با مقدمه کتاب موسی بن عقبه پیشگام در سیره نویسی بوده و به شیوه گردآوری نصوص نیز اشاره شده است. در بخش دوم نصوص موسی بن عقبه، اولین‌ها به نقل از موسی بن عقبه و موارد دیگر - که باقی‌شیش در کتابش به آن‌ها اشاره نکرده - و شرح برخی از لغات و مکان‌ها آورده شده است. همچنین برخی از گزارشات ابن عقبه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در گزارش از بعضی غزوات موسی بن عقبه به جانفشانی‌های حضرت علی (ع) نشده است که برای تکمیل بحث در پای نوشت یادآوری شده است.

در پایان کتاب، تصویری از احادیث منتخبه من مغازی موسی بن عقبه از ابن قاضی شبهه آورده شد.

المبعث والمغازی والوفاة والسقیفة والردة، ابان بن عثمان الاحمر بجلی (م. ۱۷۰ هـ)، تحقیق: رسول جعفریان، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ هـ

شعبان در برابر تلاش گسترده خلقی نخستین در منع کتابت حدیث، ایستادگی کرده و به تدوین حدیث روی آوردند. به خصوص تأکید رسول خدا (ص) به نوشتن روایات برای جلوگیری از فراموشی که فرمود: «قیدوا العلم بالكتابة» بر همت آنان افزود. به طور مثال حضرت در یوم الفتح فرمود: «اکتبوا لأبی‌شاة». ابوشاة از مردم یمن بود که در فتح مکه حضور داشت و حضرت در خطبه خود، مکه را حرم معرفی کرد. عرض کرد: این مطلب را برای من بنویسید. حضرت فرمود: برای ابوشاة بنویسید.^{۳۳} حضرت علی (ع) اولین کسی بود که احادیث حضرت را جمع‌آوری کرد. حتی رسول خدا (ص) احادیثی را برای امیر مؤمنان املا کرد و وی آنها را نوشت که به صحیفه علی مشهور شد و این صحیفه نزد امام صادق (ع) نگه‌داری می‌شد. کتاب‌های حدیثی اهل سنت به صحیفه علی (ع) اشاره کرده‌اند مثلاً صحیح بخاری در چندین جای به آن اشاره کرده است.^{۳۴}

امامان معصوم (ع) به سیره پیامبر (ص) عنایت ویژه‌ای داشتند و تعلیم مغازی را سرلوحه زندگی خود قرار داده بودند. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «کتاً نعلم مغازی رسول الله (ص) کما نعلم السورة من القرآن».^{۳۵} (حضرت، تعلیم سیره رسول خدا (ص) را مانند تعلیم تفسیر قرآن بیان کرده است). شیعیان در نگارش سیره نقش اساسی داشته‌اند. افرادی مانند عبدالله بن ابی رافع کاتب امیرالمؤمنان، جابر بن یزید جعفی، ابان بن تغلب، ابان بن عثمان احمر، ابراهیم بن محمد ثقفی، احمد بن خالد برقی، علی بن ابراهیم قمی، عماره بن زید و ابو مخنف و دیگران نیز هر یک کتابی درباره سیره و مغازی نوشته‌اند.^{۳۶} اینان در تدوین سیره و مغازی کوشیده‌اند سیره‌ای متکی بر اخبار ائمه (ع) پدید آورند.

ابان بن عثمان احمر بجلی از شاگردان برجسته امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بود که روایات زیادی بلاواسطه از این دو امام (ع) و با واسطه از ابان بن تغلب و ابویصیر و عیسی بن عبدالله قمی، زراره نقل کرده است. وی مشایخ بزرگانی چون ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بزظلی، علی بن مهزیار و دیگران بود.^{۳۶} وی در این راه توانست سیره‌ای با اتکاء بر اخبار امامان معصوم بنویسد. اگرچه کتاب او در دست مؤلفان بعدی بوده و از آن در کتاب‌هایشان بهره برده‌اند لکن اصل کتاب به مرور زمان

از بین رفته یا به فراموشی سپرده شده است.

از این رو روایات و اخبار نقل شده از ابان در سیره نبوی را می‌توان در کتابهای مؤلفان بعدی دید. یعقوبی در تاریخش از کتاب ابان بن عثمان احمر استفاده کرده، هرچند سند مطالب خود را ذکر نکرده است. وی در ابتدای جلد دوم سند مطالب را چنین آورده است: «و کان من روینا عنه ما فی هذا الكتاب... ابان بن عثمان عن جعفر بن محمد»^{۳۷} و نیز طبرسی در کتاب اعلام الوری با اعلام الهدی بخش فراوانی از سیره نبوی به نقل از ابان بن عثمان الاحمر را برای ما حفظ کرده است. وی از کتاب ابان در بعضی از قسمت‌های کتابش به صراحت نام می‌برد.

از مورخان برجسته معاصر، آقای رسول جعفریان همت بلند خود را در احیای این اثر مفقوده در قرون متمادی گذاشته و کتاب ابان بن عثمان احمر بجلی را بازسازی کرده است تا قدمی در جهت احیای میراث مفقوده شیعه باشد. وی با استفاده از کتب و منابع شیعی روایات و اخبار ابان را جمع‌آوری کرده و با نام اصلی آن - البته با حذف المبتدأ و - المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الردة در سال ۱۳۷۵ ش منتشر ساخت. وی در مقدمه به اسم، لقب، شخصیت علمی، مذهب او پرداخته است. همچنین به آگاهی ابان به اشعار و ایام‌العرب، کتاب مغازی‌اش، بهره‌وری منابع شیعه و اهل سنت از کتاب ابان، نقش شیعه در تدوین تاریخ اشاره کرده است. محتوای کتاب شامل این عناوین است: امر مکه قبل الاسلام، خبر ولادة الرسول(ص)، خبر بحیری، خبر بدء النبوة، خبر اسراء الرسول(ص)، المستهزؤون من قریش، الرسول(ص) بعد وفاة خدیجه(س)، خبر عرض رسول‌الله(ص) نفسه على القبائل العرب، النقباء من الانصار، غزوة بدر، غزوة بنی‌النضیر، غزوة احد، غزوة حمراءالاسد، خبر قتل العصماء، غزوة الاحزاب، غزوة بنی‌قریظة، خبر الافک، خبر عبدالله بن ابی‌یعد غزوة المریسبع، خبر ابوبصیر و ابوجندل، غزوة خیبر و قدوم جعفر(ع) من الحبشه، غزوة مؤته و استشهاد جعفر(ع)، خبر فتح مکه، غزوة حنین، خبر نزول سورة البرائة، خبر المباهلة، حجة الوداع، خبر بنی‌ضبة، خبر نزول سورة و العادیات، سرايا النبی(ص) بعد فتح مکه، المنافقون فی غزوة تبوک و رجوع النبی(ص) الى المدينة، وفد بنی عامر علی رسول‌الله(ص)، الرسول(ص) و ثمامة بن اثال الخنقی، خبر ابی‌ذر مع الرسول(ص)، خبر الوفاة النبی(ص)، ما فعل القوم عند وفاة النبی(ص)، خبر تغسیل النبی و تکفینه و تدفینه(ص)، اخلاق النبی افعاله و حیاتة الشخصية(ص)، خصائص دعوة الرسول(ص)، خطبة شقشقیة

گفتنی است ایشان در کتاب منابع تاریخ اسلام به طور مفصل درباره کتاب مغازی ابان و شخصیت او بحث کرده و یادآور شده که در این مجموعه اخبار المبتدأ را ذکر نکرده زیرا هدف اصلی، سیره رسول خدا(ص) بوده و ارائه نقل‌های «المبتدأ». بدون نقد و بررسی کاری ناپسند است. در عین حال

فهرستی از این اخبار را از منابع مختلف به نقل از ابان ارائه داده است. مثلاً در تفسیر عیاشی ۱/۳۶۵، ۲/۱۸۳؛ تفسیرقمی، ۳۷، ۳۰۴، ۴۶۹، ۵۶۸، الاختصاص، ۲۶۵؛ معانی‌الاجبار، ۲۶۹؛ کمال‌الدین، ۱/۱۴۷؛ و منابع دیگر. ۲۸ در ضمن کتاب از فهارس برخوردار نیست.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ابن ندیم: الفهرست، ص ۱۲۳.
- ۲- شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی: سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۲۱ (لازمها و تفقه بها).
- ۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۲۹۰ و ۴۳۲.
- ۴- روزنتال: تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ج ۱، ص ۱۵۲.
- ۵- ابن منظور: مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۷، ص ۱۱.
- ۶- ثقفی: الغارات، ج ۲، ص ۳۹۶؛ ابن ابی‌الحدید: شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۲.
- ۷- الغارات، ج ۲، ص ۵۷۶.
- ۸- مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۴۰.
- ۹- سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۳۲.
- ۱۰- هورویتر: المغازی الاولی و مؤلفوها، ص ۶۳.
- ۱۱- البدایة و النهایة، جزء ۹، ص ۱۰۹.
- ۱۲- ابن شهر آشوب: مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۵۹.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- ابو الفرج اصفهانی: الاغانی، ج ۲۲، ص ۲۱.
- ۱۵- شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۲.
- ۱۶- الغارات، ج ۲، ص ۵۷۸.
- ۱۷- التاريخ الكبير، ج ۷، سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۱۴؛ الجرح و التعديل، ج ۸، ص ۱۵۴؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۱۴.
- ۱۸- تهذیب‌التهذیب، ج ۴، ص ۲۸۲.
- ۱۹- سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۱۶.
- ۲۰- تهذیب‌الکمال، ج ۱۸، ص ۴۹۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۱۶؛ تاریخ مدینه، (مدینه دمشق، ج ۶۰، ص ۴۶۴.
- ۲۱- تهذیب‌الکمال، ج ۱۸، ص ۴۹۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۱۶.
- ۲۲- همان؛ احمدی میانجی، حسن علی؛ مکاتیب الرسول، ص ۵۲۱.
- ۲۳- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۸؛ ج ۳، ص ۵۴؛ ج ۹، ص ۶۱۶؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۵، ۱۲۱.
- ۲۴- ابن کثیر، البدایة و النهایة، جز ۳، ص ۲۴۱؛ صالحی، سبیل‌الهدی و الرشاد، ج ۴، ص ۱۰.
- ۲۵- نجاشی، احمد بن علی؛ رجال‌النجاشی؛ تحقیق: موسی شبیری زنجانی، ص ۱۳، ۱۸، ۱۷، ۳۰۳ و ۳۲۱.
- ۲۶- منابع تاریخ اسلام، ص ۶۶.
- ۲۷- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶.
- ۲۸- منابع تاریخ اسلام، ص ۷۴ و ۷۵.